

یادداشت

خانه‌هایی که نفس می‌کشیدند



وحید قاسمی

معمار و مدیر موزه خیابان ولیعصر

اصفهان برای من همیشه فقط یک شهر نبوده؛ یک صدا بوده، یک جرعه ناب از زندگی بوده، وقتی به عنوان نوه حاج رحیم قناداصفهانی با نوه حاج عبدالغفار معمارباشی درباره‌اش کلنجارها رفته‌ام. این روزها اما صدای نفس این شهر به شماره افتاده و خبرهایی از تخریب خانه‌های تاریخی به گوش می‌رسد. خانه‌هایی که شاید در فهرست میراث ملی نبوده‌اند و نیستند، اما بی‌گمان در حافظه زیستی این شهر جا داشته و دارند؛ نه به دلیل نقش‌ونگار کاشی‌ها، بلکه به دلیل منطق سکونت، شکل‌دادن به زندگی و پاسخ به شرایط محیطی، روابط انسانی و حتی اقتصاد محله. در یکی از جلسه‌های رسمی استان، شنیدم سخنانی در تخریب این خانه‌ها گفته شده است که قلبم را فشرده. مسئولی ارشد به‌صراحت گفته تخریب خانه‌های تاریخی اگر مانعی برای توسعه باشد، اشکالی ندارد. بدتر از آن، سکوتی بوده که در پی این سخنان در نزد کارشناسان و اهالی اصفهان انجام شده است؛ سکوت مدیرانی که از آنها انتظار می‌رود حافظ این میراث باشند، نه همراه و همدل با روندی که پیکره شهر را بی‌جان می‌کند. نگرانی من از آن سخنان، فقط تخریب چند خانه قدیمی نیست، بلکه فرصت‌طلبی مشتی سودجود است تا با استناد نابخردانه به این سخنان، از بی سودجویی‌شان برآیند. من نگران گسست یک فهم هستم.

ما باید به این تعریف برسیم که میراث فرهنگی، نه اشیای نگهداری‌شده در وترین موزه‌ها، نه بناهایی با کاربری موزه و نه تزئینی برای ارائه‌های برطمطراق در همایش‌هاست، بلکه میراث فرهنگی، به‌ویژه در بافت‌های شهری، یک شیوه زیستن است؛ پاسخی به چگونگی مواجهه مردم با زمین، با کمبود، با گرما، با روابط انسانی، با زمان. خانه‌هایی که مانده‌اند، چون پاسخ در خود داشته‌اند.

بارها از خودم پرسیده‌ام: آیا می‌شود خانه‌ای را که نزدیک به صد سال محل زندگی چند نسل بوده، با یک امضا به «ساختمان فرسوده» تقلیل داد؟ آیا می‌شود دانش انباشته غیرمکتوبی که در این خانه‌ها هست، با هیچ‌بودگی توجهیبات اداری حذف شود؟ ما هنوز نتوانسته‌ایم تعریفی دقیق، قابل دفاع و زیست‌پذیر از «میراث» ارائه دهیم تا همه اهالی شهر از معمار و نخبه گرفته تا مدیر و شهروند با آن احساس پیوند کنند؟ پاسخ شاید در نحوه مواجهه ما با خود شهر نهفته است. ما از شهر جدا شده‌ایم. بافت تاریخی را جزیره‌ای دیده‌ایم میان برج‌ها و پروژه‌ها، پس وقتی «میراث» را نه به عنوان ادامه زیست، بلکه به عنوان مزاحم توسعه دیدیم، طبیعی است که برای حذفش توجیه بترانیم. اما راه این نیست. اصفهان اگر هنوز نام و نشانی دارد، اگر هنوز نامش در ذهن مردم ایران و جهان تصویری می‌سازد، به دلیل همین بافت، همین خانه‌ها، همین نفس‌هایی است که در تمامی اجزاء اصفهانی بودنش ذخیره شده‌اند. حذف آنها، یعنی حذف آنچه ما را به اصفهان پیوند می‌دهد.

راه‌حل چیست؟ نکاتی را که به نظرم و در تجربه سالیان آموخته و می‌آموزم با شما به اشتراک می‌گذارم.

۱. ضرورت تعریف دوباره میراث: ما نیازمند بازتعریف «خانه تاریخی» هستیم، نه‌فقط به عنوان بایلی با ارزش هنری، بلکه به‌مثابه سندی از منطق سکونت؛ خانه‌هایی که حتی بدون تزیینات، واجد ارزش‌اند اگر نتوانست‌اند پاسخ‌گوی زیست پایدار در شرایط اقلیمی و اجتماعی باشند.
۲. طراحی به‌جای تخریب: طراحی تنها ابزار میانجیگری بین حفاظت و توسعه است. اگر عبور خودروهای امدادی یا خدمات شهری مستلزم تغییراتی است، این تغییر باید با طراحی دقیق انجام شود، نه با پاک‌سازی. سابقه‌اش را هم داریم؛ «دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی» سال‌ها پیش در برابر اصرار شهرداری برای تخریب بخشی از بافت به بهانه دسترسی خدمات‌گفت راه‌حل تخریب نیست، طراحی راهکاری برای حل مسئله است و خودش نیز دست‌به‌کار این امر شد و من از خودم می‌پرسم ما چه اندازه طراحی برای تدام زندگی در بافت‌های تاریخی را بلیدیم؟

۳. حمایت قانونی فعال از سکونت در بافت: مردم وقتی از خانه‌های قدیمی‌شان کوچ می‌کنند که یا احساس ناامنی دارند یا امکانات زندگی از آنها سلب شده است. بازگرداندن زندگی به بافت تاریخی، مستلزم بازنگری در سیاست‌های حمایتی، توجه به خدمات ویژه شهری در بافت‌های تاریخی، نوسازی دروزن و مشوق‌های مالی مشخص مانند حق توسعه برای احیای سکونت است، نه صرفاً حفظ نما و پوسته.
۴. توانمندسازی اجتماعی ساکنان: نمونه‌های موثقی در منطقه وجود دارد. معمار فلسطینی، «سعاد العامری»، با واردکردن کارگران بی‌کارشده و رانده از سرزمین‌های اشغالی به پروژه‌های مرمت در «ام‌الله»، کاری کرد که آنها خود حافظ میراث شدند؛ چون میراث را به نان و کرامت گره زد. بماند که در بمباران‌های اخیر این محدوده‌ها نابود شدند. ما نیز باید مردم را شریک احیای میراث کنیم، نه تماشاگر تخریب آن.
۵. حافظه‌نگاری شهری به‌مثابه سیاست عمومی: هر خانه تاریخی، یک سند شفاهی است، باید قبل از هر تغییر و پیش از هر تخریبی، حافظه آن خانه ثبت و روایت شود. این سیاست ساده اما مؤثر می‌تواند سرعت تخریب‌های بی‌مطالعه را کم کند.

۶. گفت‌وگو؛ راهبر تبدیل تهدید به فرصت: چندی پیش دوست فاضلم، الناز نجفی، به نقل از مهدی آگاه در مقاله‌ای آورده بود: از تاجری یزیدی پرسیدند اگر مهاجمین به نزد حمله‌کنند شما راه نزاع را پیش می‌گیرید یا دفاع؟ پاسخ داد: هیچ‌کدام. سرکرده مهاجمین را به سرداب خانه معین‌التجار به صرف فالوده یزیدی با چکیده نسترن دسوت می‌کنیم و در خنکای یادگیر از مزایای سازش می‌گوییم. به نظر من الان هم این سخنان بساط گفت‌وگو را فراهم کرده تا درباره مسائل اساسی میراث فرهنگی پرسش مطرح کنیم، گفت‌وگو بسازیم و ادبیات و روایت کارآمدش را جایگزین ناکارآمدی‌ها کنیم، به نقش میراث فرهنگی در توسعه بپردازیم، به ابتکار عمل و سرخوشی سکونت در این محدوده‌ها و منزلت سکونت در بافت‌های تاریخی بیندیشم. من اینها را می‌نویسم، نه به عنوان اعتراض صرف، بلکه به عنوان کسی که اصفهان را زندگی کرده است. بارها در محله‌های خواجه، در درشت، دیدبانه، جلفا و دروازه‌نو قدم زده‌ام و به خانه‌هایی خیره شده‌ام که حاصل قرن‌ها آزمون‌وخطا زیستن هستند؛ خانه‌هایی که برای من درس‌های بزرگ طراحی، معماری و شهرخوانی داشته‌اند. و حالا وقتی کسی با بی‌اعتنایی از «لزم تخریب و توسعه» سخن می‌گوید، حس می‌کنم چیزی عمیق‌تر از یک ساختمان از بین می‌رود و بخشی از خرد سرزمینی ما دفن می‌شود. ما هنوز می‌توانیم شهر را به ساکنانش برگردانیم، اما این فقط زمانی ممکن است که میراث را از منظر فرهنگ و توسعه فرهنگی، نه یک زحمت که یک سرمایه بینیم. سرمایه‌ای برای فهم اینکه چطور می‌توان در این سرزمین، با خاک و آفتاب و کم‌آبی، زندگی را ساخت، حفظ کرد و به اقتضای روز مسلط شد. خانه‌های تاریخی فقط خانه نیستند؛ آنها صامت‌ترین مدافعان کیفیت زندگی‌اند. باید زبان این کیفیت‌ها را فهمید و روزآمدشان کرد.

صورت‌بندی از چالش‌های حفاظت از ابنیه ارزشمند معاصر

بنای معاصر

کلنگی یا میراث؟

علی اعطا، پژوهشگر شهر و معماری: در بحث حفاظت از میراث معاصر معماری با چند دسته چالش

مواجهیم که البته الزاما مختص ایران نیست. موضوع عمدتا تحت عنوان حفاظت از میراث مدرن شناخته می‌شود، اما ما در ایران به دلایلی آن را تعمیم می‌دهیم و می‌گوییم «معماری معاصر». به هر ترتیب، می‌خواهم مختصرا به این چالش‌ها اشاره و سعی کنم صورت‌بندی اولیه‌ای از آنها ارائه دهم.

چالش‌های فنی

وقتی از کارشناسان مختلف فعال در این حوزه سؤال می‌کنیم، می‌بینیم توافقی بر معیارهای ارزشیابی وجود ندارد. گروه‌های تخصصی مختلف دیدگاه‌های متفاوتی دارند. مقالات متفاوتی را مطالعه کرده‌ام که درباره همین معیارهای ثبت و ارزش‌گذاری برای سبک‌ها بحث می‌کنند و مثلا با کار آقای دکتر مختاری در کتاب میراث معماری مدرن ایران، با کارهای دیگری مانند کار آقایان دکتر حاجی، دکتر مظاهریان و دکتر هادی نادری با عنوان «فرایند ارزیابی میراث معماری و بررسی آن در آثار ایران» مقایسه کرده‌ام. اینها از نظر نوع نگاه به معیارها معمولا تفاوت‌هایی دارند، علی‌رغم اینکه سال‌هاست متون تئوریک درباره ارزش‌گذاری معماری مدرن یا معاصر داریم، مثلا در یکی از بیانیه‌های DOCOMOMO، این موضوع به ارزش‌های محیط‌زیستی پیوند زده شده است. به نظر می‌رسد اشتراک نظری در مورد این معیارها وجود ندارد؛ چون جریان زنده‌ای است و مدام در حال تغییر و تحول. مثلا ساختمانی تخریب می‌شود؛ گروهی می‌گویند این بنا باید حفظ می‌شده، اما گروهی دیگر چنین نظری ندارند. چنین اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. یا گروهی از کارشناسان معتقدند قطعا باید حفظ شود، گروه دیگری ممکن است تلقی متفاوتی داشته باشند.

چالش‌های حقوقی

بحث حقوق مالکانه در برابر نهاد قانونی صدور پروانه (شهرداری‌ها) مسئله‌ای نیست که به راحتی شهرداری بتواند در برابر آن مقاومت نشان دهد. اطمینان دارم آقای مهندس گلپایگانی در دوره‌ای که معاون شهرداری تهران بودند، شاید مجبور شدند برخلاف میل باطنی برای تخریب برخی بناها مجوز دهند؛ زیرا براساس قوانین، این یک حق مالکانه محسوب می‌شود و اگر نبایی ثبت نباشد، شهرداری الزام دارد پروانه بدهد. نهایتا اگر شیوه ارزشمندی وجود داشت، از میراث استعلام می‌شود. اما در نهایت، شهرداری باید در زمان مشخصی مجوز را صادر کند. این مسئله، یک چالش حقوقی است که در برابر حفاظت از آثار ارزشمند معاصر وجود دارد.

چالش‌های اقتصادی

جریان برقدرت ساخت‌وساز، جریانی نیست که کنشگران میراث فرهنگی به راحتی بتوانند در برابر آن مقاومت کنند. صنعت ساختمان یا اقتصاد مسکن (که بخش عمده آن در کشور ما ساختمان‌های مسکونی است) به عنوان یکی از پیشران‌های اقتصادی شناخته می‌شود. در بسیاری از کشورها ممکن است سهم کمتری از اقتصاد وابسته به ساخت‌وساز یا اقتصاد شهری باشد. این موضوع باعث ایجاد سدی محکم در برابر حفاظت از بناهای ارزشمند معاصر می‌شود.

چالش‌های اجتماعی-فرهنگی

ایسن موضوع تا حدی به فرهنگ عمومی ما برمی‌گردد. در جامعه غیرمتخصص معمولا در مورد ارزشمندی یک بنای قاجاری اتفاق نظر وجود دارد که باید حفظ شود و نباید تخریب شود. هر کسی



خانه مسکونی تهران، ابنیه ارزشمند سیحون در معرض تخریب

نسبت به تخریب آن اعتراض خواهد کرد. اما تلقی عمومی نسبت به بناهای قرن اخیر این نیست. بنای قاجاری را کسی «کلنگی» نمی‌نامد، اما بنای ساخته‌شده در قرن گذشته را معمولا به عنوان بنای کلنگی می‌شناسند. بعضا حتی کارشناس رسمی دادگستری (وقتی قاضی برای اظهارنظر ارجاع می‌دهد) ممکن است کلنگی اعلام کند، حتی اگر قدمت آن مثلا ۱۳۱۰ یا ۱۳۲۰ باشد. آخرین نمونه‌ای که با آن مواجه شدیم و گزارشی هم منتشر شد، خانه طراحی‌شده توسط هوشنگ سیحون در الهیه بود که شنیدم کارشناس دادگستری آن را کلنگی و فاقد ارزش‌های حفاظتی دانسته است.

بنابراین، در تلقی عمومی، بناهای صد سال اخیر واجد ارزش شناخته نمی‌شوند تا مقاومت اجتماعی ایجاد کنند و حساسیت عمومی را برانگیزانند.

چالش‌های مدیریتی

وزارت میراث فرهنگی جایگاه خاص خود را در این موضوعات دارد، اما نهادهی که مواجهه مستقیم‌تری با موضوع دارد، شهرداری است. شهرداری‌ها به لحاظ نهادی در بحث حفاظت از میراث معاصر، در موقعیت «تعارض منافع» قرار دارند. تعارض منافع موقعیتی است که یک شخص حقیقی یا حقوقی هم‌زمان در دو موقعیت قرار دارد که منافع متعارض ایجاد می‌کند. شهرداری باید از تخریب و نوسازی کسب درآورد کند و هم‌زمان از این نهاد می‌خواهیم ترتیبی اتخاذ کند که از این بناها حفاظت شوند. این یک موقعیت تعارض منافع است. این مسئله موجب می‌شود نتوانیم انتظار داشته باشیم شهرداری‌ها کنش فعالانه‌ای داشته و به این جریان کمک کنند.

با وجود این پنج دسته چالش که شاید بتوان چالش‌های دیگری هم به آنها افزود، ممکن است از این صحبت‌ها نتیجه بگیریم که حفاظت از بناهای ارزشمند معاصر امری غیرممکن است. اما نظر من این نیست. این چالش‌های کمابیش در مواجهه با میراث معاصر در همه کشورهای مطرح است و راه‌حل‌های مختلفی برای اقدام پیشرفته شده یا می‌تواند تا حدودی به امر حفاظت کمک کند و راهکار الزاما ثبت بنا و حفاظت محض نیست. مثلا یکی از اقداماتی که در کشور فرانسه انجام می‌شود، این است که بخشی از این بناها از دامنه حفاظت اجباری خارج می‌شوند، یعنی تلاش‌ها فقط به این امر معطوف نیست که ثبت بنا صورت بگیرد. یعنی صرفا نگاه‌ها به الزام قانونی-حقوقی به قصد حفاظت نیست، اما به این‌گونه بناها «بیل» یا برجسب میراث معاصر یا مدرن زده می‌شود. این کار با هدف تأثیرگذاری بر وجدان اجتماعی، به‌طور مشخص به افکار عمومی انجام می‌شود. این کار ضمن تأثیرگذاری بر وجدان مالک، با اعطای امتیازاتی (مثلا امکان بهره‌برداری‌های دیگر یا استفاده از فضابندی‌های انعطاف‌پذیر معماری مدرن برای فعالیت‌های مختلف) همراه است. این روش تا حدی موفق بوده است. البته راه‌حل‌های قطعی وجود ندارد، اما به عنوان مثال، ما در ایران روی بخش ترویجی خیلی کم کار می‌کنیم. فعالیت ترویجی کنشگران نیز در امر بسیار مؤثر است. اگر کنشگران نبودند، از خیلی از مسائل (مثل در خطر تخریب بودن فلان بنا یا موضوع خانه سیحون) بی‌اطلاع می‌ماندیم. تصور می‌کنم این طرح که در پژوهشگاه میراث فرهنگی و متعاقب مصوبه شورای پنجم شهر تهران و اقدام شهرداری انجام شده است، باید انتشار عمومی پیدا کند. اگر هدف از تهیه این گزارش پژوهشی انتشار عمومی نباشد، به نظرم آن هدف فرهنگی و ترویجی اصلی محقق نخواهد شد. ضمن اینکه نمی‌توان چالش اقتصادی را به‌طور کامل حل کرد. کاری که می‌توان کرد، همسokردن حداکثری منفعت عمومی و منفعت خصوصی (منافع مالک) است. این کار جز با اعطای امتیازاتی به مالک برای نگهداری بنا و تحریک وجدان عمومی و وجدان خود مالک نسبت به ارزش‌های بنا به نظر من میسر نیست. به این اقدامات می‌توان موارد دیگری نیز افزود که به گمانم در سال‌های اخیر، زمینه‌های مناسبی برای انجام آنها فراهم شده است.

گزارشی درباره نشست رونمایی از طرح پژوهشی-میدانی «شناسایی ابنیه باارزش معاصر تهران»

معماری معاصر، ارزش‌ها و چالش‌ها

در مراحل اولیه‌ای قرار دارد، ادبیات تخصصی آن شکل نگرفته و از همه‌مهم‌تر اطلاعات مستند از آنها هنوز بسیار پرکنده است. بخش سوم با عنوان پایش میدانی در بازه زمانی شهریور ۱۴۰۱ تا بهار ۱۴۰۲ انجام شد. شناسنامه تدوین‌شده برای هر بنا شامل مجموعه‌ای از اطلاعات عمومی (موقعیت مکانی به صورت کروکی و آدرس)، مشخصات شهرسازی (مساحت عرصه، فعالیت پیشین و فعلی، تعداد طبقات) و اطلاعات معماری (مصالح، نام معماردر صورت وجود)، ارزیابی بنا به لحاظ معاصربودن و شرایط ثبتی بنا به همراه تصاویر وضع موجود (در بازه زمانی پایش انجام‌شده) طراحی شد. این شناسنامه‌ها در سه گروه عمده تخریبی‌ها، پایش‌شده‌ها و ثبت‌شده‌ها تفکیک شدند. نظر به تأکید و احساس ضرورت گروه مطالعاتی تهران پلاک به پلاک برای ایجاد بانک اطلاعاتی ابنیه تهران، پلاک‌های تخریب‌شده یا فاقد ارزش نظیر پست برق نیز در این پروژه به سبب ایجاد امکان پیگیری تغییرات فعالیتی محدوده‌های شهری و معماری بناها دارای شناسنامه شدند. چنان‌که اگر لایه پلاک‌های واجد ارزش طرح جامع ۱۳۸۶ پیوست تصویری می‌داشت، امکان ارزیابی و آسیب‌شناسی دقیق‌تری از وضعیت این بناها در پایش ۲۰۱۰محقق می‌شد. نکته‌ای که از نظر نباید دور داشت، این موضوع است که معماری مدرن تهران (از نظر صاحب‌نظران معماری مدرن در دل معماری معاصر قرار دارد)، به نسبت قدمت این سرزمین بسیار جوان و نویاست. هر چند، چرخه‌های حیاط طرحی، حوض خانه‌ها و کاشی‌کاری و هشتی‌ها و فضاهای تودرتوی آن زبان آشنایی دارد و متعلق به یک خانواده سرزمنی است، معماری مدرن با زبان تازه‌ای سخن می‌گوید و نماینده سرزمین ما در خانواده بزرگ جهانی است که هدف بنیان‌های فکری‌اش در مقطع زمانی شکل‌گیری، هم‌اندیشی و چاره‌جویی برای ارتقای کیفیت زیست انسان‌ها بوده است و تحقیق‌پذیری‌اش در هر سرزمین با مواجهه زمینه فرهنگی-زیستی آن سرزمین شکل متفاوتی دارد. از این‌رو نیازمند ساختار متفاوتی در امر مستندنگاری، مطالعه و شناخت است.

لازم به ذکر است که در میان این ابنیه، بناهایی وجود دارند که در تاریخ معماری نقاط عطف تحول به شمار می‌آیند یا شاخصه‌های سبکی و اثر معمار بنامی هستند. اما از نظر نباید در مراحل اولیه‌ای قرار دارد، ادبیات تخصصی آن شکل نگرفته و از همه‌مهم‌تر اطلاعات مستند از آنها هنوز بسیار پرکنده است. بخش سوم با عنوان پایش میدانی در بازه زمانی شهریور ۱۴۰۱ تا بهار ۱۴۰۲ انجام شد. شناسنامه تدوین‌شده برای هر بنا شامل مجموعه‌ای از اطلاعات عمومی (موقعیت مکانی به صورت کروکی و آدرس)، مشخصات شهرسازی (مساحت عرصه، فعالیت پیشین و فعلی، تعداد طبقات) و اطلاعات معماری (مصالح، نام معماردر صورت وجود)، ارزیابی بنا به لحاظ معاصربودن و شرایط ثبتی بنا به همراه تصاویر وضع موجود (در بازه زمانی پایش انجام‌شده) طراحی شد. این شناسنامه‌ها در سه گروه عمده تخریبی‌ها، پایش‌شده‌ها و ثبت‌شده‌ها تفکیک شدند. نظر به تأکید و احساس ضرورت گروه مطالعاتی تهران پلاک به پلاک برای ایجاد بانک اطلاعاتی ابنیه تهران، پلاک‌های تخریب‌شده یا فاقد ارزش نظیر پست برق نیز در این پروژه به سبب ایجاد امکان پیگیری تغییرات فعالیتی محدوده‌های شهری و معماری بناها دارای شناسنامه شدند. چنان‌که اگر لایه پلاک‌های واجد ارزش طرح جامع ۱۳۸۶ پیوست تصویری می‌داشت، امکان ارزیابی و آسیب‌شناسی دقیق‌تری از وضعیت این بناها در پایش ۲۰۱۰محقق می‌شد. نکته‌ای که از نظر نباید دور داشت، این موضوع است که معماری مدرن تهران (از نظر صاحب‌نظران معماری مدرن در دل معماری معاصر قرار دارد)، به نسبت قدمت این سرزمین بسیار جوان و نویاست. هر چند، چرخه‌های حیاط طرحی، حوض خانه‌ها و کاشی‌کاری و هشتی‌ها و فضاهای تودرتوی آن زبان آشنایی دارد و متعلق به یک خانواده سرزمنی است، معماری مدرن با زبان تازه‌ای سخن می‌گوید و نماینده سرزمین ما در خانواده بزرگ جهانی است که هدف بنیان‌های فکری‌اش در مقطع زمانی شکل‌گیری، هم‌اندیشی و چاره‌جویی برای ارتقای کیفیت زیست انسان‌ها بوده است و تحقیق‌پذیری‌اش در هر سرزمین با مواجهه زمینه فرهنگی-زیستی آن سرزمین شکل متفاوتی دارد. از این‌رو نیازمند ساختار متفاوتی در امر مستندنگاری، مطالعه و شناخت است.

لازم به ذکر است که در میان این ابنیه، بناهایی وجود دارند که در تاریخ معماری نقاط عطف تحول به شمار می‌آیند یا شاخصه‌های سبکی و اثر معمار بنامی هستند. اما از نظر نباید

نمایی پویش ابنیه شهر تهران در سال ۱۴۰۱. آمار هر منطقه نیز به‌طور تفکیکی موجود است.

تعداد ابنیه فهرست	تعداد بناهای ثبت شده میراث	تعداد ابنیه ارزشمند تاریخی	تعداد تخریب بنای نوسازی	تعداد بناهای فاقد ارزش	حائز ارزش معماری معاصر
۳۷۱۸	۲۹۳	۴۱۱	۹۹۲	۶۵	۸۵۴
مجموع					۱۱۰۱
				واجد ارزش ملی	واجد ارزش ملی

یادداشت

طرح شناسایی ابنیه با ارزش معاصر تهران؛ یک تبارشناسی

پویا حشمتی

فعال فرهنگی

چهارم خردادماه ۱۴۰۴ در محل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری از طرح «شناسایی ابنیه با ارزش معاصر تهران» رونمایی شد. انجام این طرح در قالب مصوبه‌ای در شورای پنجم شهر تهران، در اردیبهشت ۹۹ با عنوان «الزام شهرداری تهران به ارائه لایحه حفاظت از میراث معماری معاصر شهر تهران» به پیشنهاد کمیته معماری و طرح‌های شهری به تصویب رسید.

براساس این طرح، شهرداری تهران مکلف می‌شد «در راستای تحقق مفاد بند ۶-۲ سند طرح جامع تهران مبنی بر حفاظت از میراث تاریخی شهر تهران و بند ۱-۷-۶ این سند مبنی بر «لزم حفاظت از آثار تاریخی، فرهنگی و معاصر شهر تهران، شامل حفاظت از کلیه آثار ثبت‌شده و کلیه آثاری که در آینده ثبت خواهند شد و رعایت حریم مجموعه ثبت‌شده دارای حریم ممنوعیت هرگونه مداخله در عرصه آن آثار… با همکاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی لایحه حفاظت از آثار معماری ارزشمند معاصر شهر تهران را… ارائه کند».



بر مبنای این طرح، شهرداری تهران مکلف می‌شد در تدوین این لایحه، کلیه سیاست‌های تشویقی مالی، کالبدی، بهره‌برداري، بازدارنده و الزام‌آور در راستای حفاظت از آثار معماری ارزشمند معاصر را به کار گیرد، طرح موضوعی «حفاظت از ابنیه و آثار ارزشمند معماری معاصر شهر تهران» را حداکثر ظرف مدت شش ماه تهیه و به تصویب مراجع ذی‌صلاح برساند، نسبت به شناسایی آثار معماری ارزشمند معاصر تهران و تدوین بانک اطلاعاتی اقدام و انتشار عمومی آن را از طریق سامانه‌های شهرداری تهران به انجام رساند، با همکاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای شناسایی شاخص‌های معماری ارزشمند معاصر اقدام و لایحه را بر این مبنا ارائه کند و در نهایت نسبت به پیگیری ثبت آثار معماری ارزشمند معاصر شهر تهران در فهرست‌های ذی‌ربط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اقدام و گزارش عملکرد این تبصره را در دوره‌های شش‌ماهه به شورای اسلامی شهر تهران ارائه کند.

این طرح که در اردیبهشت ۹۹ به تصویب رسید، در سال ۹۸ از سوی کمیته معماری و طرح‌های شهری شورای شهر تهران پیشنهاد شده بود. شورای اسلامی شهر تهران در جریان صدونودوهشتمین جلسه خود، یک‌فوریت طرح «طرح الزام شهرداری تهران به ارائه لایحه حفاظت از میراث معماری معاصر» را در دستور کار قرار داد.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، رئیس کمیته معماری و طرح‌های شهری شورا در توضیح این طرح گفته بود: در پیش‌نویس این طرح شش سیاست برای حفاظت از میراث معماری معاصر تعیین شده است. این طرح بر مبنای ماده ۴۶ برنامه پنج‌ساله سوم شهر تهران (ضرورت پشتیبانی، حفظ و احیای آثار، بافت و ابنیه ارزشمند) نوشته شده است. در ماه‌های اخیر سرعت تخریب آثار ارزشمند معماری به‌شدت افزایش یافته و این تخریب‌ها شدیدا مورد اعتراض فعالان حوزه میراث فرهنگی، رسانه‌ها و علاقه‌مندان این حوزه است.